

ادامه از صفحه ۲

حقایق را به گوش مقامات نرسانیم، تبهکاریم

تندروها اما عموما به نظام‌های اقتدارگرایی مانند روسیه بیشتر اعتماد می‌کنند. منظوم بحث خصومت و دشمنی با مردم و دولت روسیه نیست.

خصومت با روسیه مانند درگیری احساسی و ایدئولوژیک با غرب به زبان کشور است. ایران با پشتوانه غرب بهتر می‌تواند با روسیه و ترکیه مذاکره کند تا با شراکت روسیه یا ترکیه بخواهد وارد مذاکره با غرب شود. البته منطق منافع ملی حکم می‌کند تعامل سازنده با تمامی کشورها داشته باشیم.

تعجب من از تندروها این است که چگونه خطر بیدارشدن میل خفته دستیابی به آب‌های گرم و احیای تزارسم روسیه و رؤیای احیای امپراتوری عثمانی را دست‌کم می‌گیرند و از تهدید تمامیت ارضی ما چه در دریای خزر و چه در مناقشات قفقاز عبور می‌کنند.

یکی از تندروها روزی مسماس با مواضع روس‌ها گفت اگر دشمن مجوم بیآورد و بخواهد سوریه یا خوزستان را بگیرد، اولویت ما این است که سوریه حفظ شود.

تندروها باور ندارند اگر روسیه در رقابت با آمریکا فاتح جنگ سرد می‌شد، در آن صورت بنادر جنوبی ما هم علاوه بر دریای خزر، عمق استراتژیک منافع او به حساب می‌آمد. مصلحت ملی ما حکم می‌کند که رابطه متوازنی با غرب و شرق داشته باشیم.

۴ به‌عنوان سؤال آخر، صحنه‌ای متصور شویم که در انتخابات ۱۴۰۰ فردی مانند ظریف یا نزدیک به ادبیات دیپلماتیک وی در برابر فردی مانند جلیلی یا نزدیک به وی ایستاده باشد، خروجی چنین مناظره‌ای فارغ از نتایج آن چه ایجاد سیاسی و اقتصادی و حتی امنیتی خواهد داشت؟

آن تدرویی که قادر نیست با معترضان داخلی گفت‌وگو کند و به انتخاف گلخانه‌ای عادت کرده، چگونه با انشاخواندن قرار است با غرب مدرن و مدعی ارزش‌های دموکراتیک و حقوق‌بشری گفت‌وگو کند؟

باید بگویم گذشت زمان و تداوم تحریم‌ها، چندان به زبان آمریکا و متحدان منطقه‌ای او نیست. اگر حقیقتی را که درک می‌کنیم به گوش مقامات نرسانیم تبهکاریم. برتولت برشت آلمانی از ضمیر گالیله می‌نویسد: «کسی که حقیقت را نمی‌داند، البته است اما آن‌که می‌داند و کتمان می‌کند تبهکار است».

نمی‌توان کتمان کرد که ثبات و رشد اقتصادی به تعامل و اعتمادسازی ما با دنیا گره خورده است. نباید کاری کرد که آمریکا ما را تهدیدی وجودی و ذاتی برای صلح و امنیت جهانی معرفی کند.

تندروها می‌گویند اگر امنیتی‌سازی شدیم، چه بهتر. خلیج فارس و منطقه را برایشان ناامن می‌کنیم. متوجه نیستند هر اندازه آمریکا در بین‌المللی‌کردن تهدیدات ایران و امنیتی جلوه‌دادن آن موفق شود، به همان اندازه قادر خواهد شد دیگر دولت‌ها را در جهت اعمال فشار به ایران با خود همراه کند. تندروها که شعار خروج از پروتکل الحاقی و فروپاشی برجام می‌دهند به پای خود شلیک می‌کنند. فراموش نکرده‌ایم دوره احمدی‌نژاد که همین تندروها با غرب درگیر شدند، نه‌تنها پیشرفتی در پرونده هسته‌ای حاصل نشد که منجر به اعمال تحریم‌های سنگین علیه ایران شد و اقتصاد کشور را فلج کرد. تا موازنه در داخل تغییر نکند، آمیدی به اصلاح سیاست خارجی نیست. سیاست‌ورزی فعلا در کماست. باید منتظر ماند و دید ماشین یکدست‌سازی تندروها تداوم می‌یابد یا در ایستگاه انتخابات ۱۴۰۰ متوقف می‌شود.

آگهی مزایده

به اطلاع عموم میرساند دهیاری اباتر در نظر دارد تستیست به فروش یک دستگاه بیل بکھو لودر خود یل مصوب شماره ۳۳۰ مورخه ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ اعضای محترم شورای اسلامی اباتر و از طرق مسزایده بر اساس قیمت پایه کارشناسی اقدام نماید لذا از متقاضیان واجد شرایط دعوت می شود ضمن بازدید و رعایت دقیق شرایط ذیل پیشنهادهات کتبی خود را از مورخه ۹/۱۳/۱۳۹۹ به مدت حداکثر ۱۰ روز کاری به دهیاری اباتر مراجعه و تحویل نمایند.

موضوع	مشخصات	شماره موتور و شاسی
فروش بیل بکھو لودر	بیل بکھو لودر کتوبی هیدرولیک کابین دارمدل Tp186	موتور : IFW23N شاسی: C11558

۱- هزینه نشر آگهی و کارشناسی و مالیات به عهده برنده مزایده می باشد.
۲- به مبلغ کمتر از قیمت پایه کارشناسی ترتیب اثر داده نمی شود.
۳- دهیاری در قبول و رد کلیه پیشنهادهای وقت است.
۴- متقاضیان محترم شرکت در مزایده قیمت پیشنهادی خود را در پاکت پلمپ تا ۱۰۰۵۷۲۵۱۰۰۵ بایگ ملی به نام دهیاری اباتر واریز واصل فیش واریزی را هنگام تحویل اسناد ارائه نمایند.
مبلغ فوق به عنوان تضمین مزایده بوده و در که صورتی برنده از انجام معامله انصراف دهد مبلغ فوق به نفع دهیاری ضبط می گردد.
۶- کلیه شرکت کنندگان می توانند از تاریخ این آگهی به مدت ۱۰ روز به دهیاری روستای اباتر مراجعه و تستیست به دریافت اسناد مزایده (فرم پیشنهاده قیمت) اقدام نمایند ضمنا جهت بازدید از دستگاه نیز می توانند به دهیاری اباتر مراجعه نمایند.
۷- روز بازگشایی پاکت های پیشنهادی مزایده تاریخ ۱۳۹۹/۱/۰۴ در دهیاری اباتر می باشد و پس از باز گشایی پاکت ها، با بالاترین نرخ پیشنهادی به عنوان برنده تعیین می شود.
۸- برنده مزایده باید حداکثر طرف مدت یک هفته بعد از اعلام نتیجه نسبت به پرداخت بهای پیشنهادی خود اقدام نماید در صورت عدم مراجعه در وقت مقرر دهیاری حق دارد ضمن ضبط سپرده شرکت در مزایده، از برندگان بعدی دعوت به عمل می آید.

شماره تماس جهت هماهنگی و دریافت فرم

پیشنهاد قیمت:۰۹۰۲۵۲۹۹۶۴۷ دلدار

دهیاری اباتر



کوروش احمدی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

بایدن در گفت‌وگوی اخیر خود با توماس فریدمن، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز، در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا به نظر خود درباره بازگشت به برجام پایبند است، گفت: «بله، ولی کار سختی خواهد بود». این پاسخ به‌خوبی گویای شرایطی است که در ارتباط با بازگشت مشروط بایدن به برجام پیش‌رو است. تا آنجا که به شخص بایدن مربوط می‌شود، تاکنون مقتضی و موجود است. برگزیدگان او برای پست‌های مرتبط با امنیت ملی کم‌وبیش با نظر او درباره برجام همسو هستند. در آخرین مورد، بایدن، میشل فلورنوی را که پیش‌ناز برای تصدی پست وزارت دفاع تصور می‌شد، کنار زد و ژنرال بازنشسته لوید استین را برای این منظور برگزید. می‌دانیم که فلورنوی طرفدار «فشار حداکثری» بر ایران و نیز می‌رسد بازگشت به برجام است، درحالی‌که به نظر می‌رسد آستین عمدتا غیرسیاسی و تابع بایدن باشد.

حال باید دید منظور بایدن از اینکه بازگشت به برجام سخت خواهد بود، چیست؟ به نظر می‌رسد که نگرانی بایدن عمدتا از ناحیه سیاست داخلی آمریکاست؛ البته متحدان اروپایی و منطقه‌ای آمریکا نیز نظرات خاص خود را دارند که چندان با نظرات بایدن همسو نیست. بدون تردید، در یک دموکراسی رئیس یک کشور تصمیم‌گیرنده اول و آخر نیست و روند تصمیم‌گیری معمولا بسیار دشوار و پردردسر است. تجربه نهایی‌شدن برجام در آمریکا در سال ۱۳۹۴ گویای این واقعیت است. در آن دوره، جریان‌های مخالف هرگونه توافق با ایران، حداکثر سنگ‌اندازی را در برابر برجام کردند. برخلاف



تریلتا پارسی

رهبران حزب دموکرات در کنگره پیام «حمایت قاطع» خود از وعده جو بایدن به بازگرداندن ایالات متحده به توافق هسته‌ای ایران را بدون هیچ پیش‌شرطی به رئیس‌جمهوری منتخب ارسال کردند. گرگوری میکس، نماینده دموکرات از نیویورک و رئیس آتی کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، این مسئله را در گفت‌وگو با مؤسسه کوئنسی به‌وضوح ابراز کرد: «ما این پیام را به متحده خود می‌فرستیم که آمریکا در حال بازگشت به میز مذاکره است».

نامه نمایندگان دموکرات که اولین مرتبه توسط «آژانس تلگرافی یهود» منتشر شد، توسط گروهی تنظیم شده که در سال ۲۰۱۵ نیز از توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام حمایت کرده بودند، نماینده رابارای لی (از کالیفرنیا)، نماینده ژان جاسکوفسکی (از التوی)، نماینده دیوید پرایس (از کارولینای شمالی)، نماینده میکس، نماینده خواکین کاسترو

(از تگزاس) و نماینده برد شرمن (از کالیفرنیا) تهیه و امضاکندگان این نامه بودند. در این نامه از خروج دولت دونالد ترامپ به‌شدت انتقاد و این‌طور استدلال کرده که بازگشت به برجام نه‌تنها از ایران مجهز به بمب هسته‌ای جلوگیری می‌کند بلکه «پایه و اساسی» برای پیشرفت در سایر موارد مهم نیز فراهم می‌آورد.

نماینده دیوید پرایس در توضیح این مسئله به مؤسسه کوئنسی گفت: «من و همکارانم، از جمله سه مدعی ریاست کمیته امور خارجه مجلس، این‌طور تصمیم گرفتیم که ارسال یک پیام قوی و یکپارچه از سوی کنگره به رئیس‌جمهوری منتخب جو بایدن برای اینکه نشان دهیم ما از دیپلماسی، از جمله اقدامات اولیه برای بازگشت ایران و ایالات متحده به تعهدات برجامی حمایت می‌کنیم، اهمیت زیادی دارد». برخلاف تصورات رایج مبنی بر اینکه کنگره رویکردی خصمانه در قبال دیپلماسی با ایران دارد، تهیه و ارسال فوریتی نامه و پشتیبانی‌دو نامزد ریاست مجلس نمایندگان و سه مدعی ریاست شورای روابط خارجی این‌ن مجلس از حزب دموکرات از نامه نشان‌دهنده اتحاد گسترده

دیپلماسی

دست بایدن را نبندیم



اوباما، جمهوری‌خواهان و بخشی از دموکرات‌ها مخالف مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران بودند. به‌رغم تصور برخی در ایران، سخت‌ترین و مؤثرترین تحریم‌ها مانند تحریم صدور نفت خام، تحریم واردات بنزین، تحریم بانک مرکزی ایران، تحریم سوییفِت نه از سوی فرمان‌های اوباما، بلکه از طریق مصوبه‌های کنگره مانند NDAA و CISADA. ITRSHRA در فاصله ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ اعمال شدند. این مصوبه‌ها تقریبا با اتفاق آرا به تصویب می‌رسیدند؛ به‌نحوی که اوباما قادر به وتو آنها نبود. بااین‌حال دولت اوباما تلاش می‌کرد آیین‌نامه‌های اجرایی این قوانین را به نحوی تنظیم کند که روزنه برای مذاکره همچنان باز بماند. برای مثال، دولت آمریکا که مطابق CISADA مجاز بود تا با توجّه به شرایط بازار نفت، ممنوعیت صدور نفت از ایران را

حمایت از بازگشت بدون پیش شرط به توافق هسته‌ای

دموکرات‌ها در حمایت از دیپلماسی ایران است. در حقیقت، نماینده شرمن در سال ۲۰۱۵ مخالف سرسخت توافق هسته‌ای ایران بود اما پس از آن به‌صورت مداوم از توافق حمایت کرده است. قانون‌گذاران معتقدند که حمایت فزاینده از توافق هسته‌ای با «لزم کشف مجدد برخی نقاط مشترک» و درک این مسئله که توافق هسته‌ای جواب داده و ایالات متحده را در موقعیت بسیار قدرتمندتری قرار داده، ارتباط دارد. میکس توضیح داد: «اکنون همه درک می‌کنند تا زمانی که ما در برجام بودیم، ایران از آن تبعیت می‌کرد. توافق جواب داده بود؛ ما توانایی بازرسی از برنامه آنها را داشتیم و این باعث می‌شد جهان و منطقه اِیمن‌تر شوند.» نماینده لی افزود: «من فکر می‌کنم آنچه شاهدش هستیم این است که اعضای انجمن به فاصله‌گرفتن از یک سیاست شکست‌خورده و بازگشت به توافقی که واقعا جواب داده، تمایل نشان می‌دهند».

این ابتکار نه‌تنها می‌تواند بر دیدگاه کنگره به برجام تأثیر بگذارد بلکه نقش شورای امور خارجی مجلس نمایندگان به رهبری میکس در حمایت از دیپلماسی را نشان می‌دهد. این نماینده دموکرات ایالت نیویورک

۴بخش از ۵بخش سند نهایی شده‌است

سند راهبردی تهران – کابل به امضای رؤسای جمهور ۲ کشور می‌رسد

کرد؛ اما در حسن‌نیت آمریکا تردید وجود دارد و لازم است که دوستان ما در افغانستان نسبت به این سیاست‌های پشت پرده آمریکا دقت داشته باشند و مراقبت لازم را به عمل بیاورند».

عراقچی اظهار کرد: ما به‌عنوان ایران فقط می‌توانیم توصیه کنیم که این روند در مسیر درستی حرکت کند و در جزئیات آن دخالت نکنیم.

طالبان واقعیت صحنه سیاسی افغانستان است

وی درباره تعطیل‌شدن مذاکرات صلح برای حدود ۲۰ روز گفت: اولین چیزی که به ذهنم رسید، این بود که آنها برای تعطیلات کریسمس این برنامه را تعطیل کردند تا به تعطیلات سال نو خود برسند. از طرف دیگر طالبان یک واقعیت در صحنه سیاست افغانستان است و نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم و نادیده‌گرفتن آن یعنی جنگ و ادامه خونریزی. باید راه‌حلی پیدا شود که طرف‌های افغانی به همراه گروه طالبان بتوانند با همدیگر صحبت کنند و به تصمیمی برسند که نتیجه دستاورد همه طرف‌ها باشد و همه طرف‌ها احساس برد –برد کنند و نتیجه آن صلح باشد.

مذاکرات راهبردی تهران-کابل به مرحله پایانی خود نزدیک شده است

عراقچی درباره اهداف سفر خود به کابل گفت: سفر من به افغانستان در ادامه مذاکرات جامع راهبردی بین تهران و کابل است که الحمدلله به مرحله پایانی خود نزدیک شده است. این سند پنج قسمت دارد که چهار بخش آن قبلا نهایی شده و قسمت پنجم آن باقی مانده بود و آن یک قسمت هم در مذاکراتی که ما در چند نوبت انجام داریم، امروز به مراحل آخر خود رسیده است. وی تصریح کرد: من خیلی امیدوار هستم که در جریان همین سفر بتوانیم آن را کامل کنیم و اگر نهایی شود، سند از سوی رؤسای جمهور دو کشور امضا خواهد شد و چشم‌انداز درازمدت روابط دو کشور را مشخص می‌کند. این سند اصولی را که باید بر روابط بین دو کشور حاکم باشد، تعیین می‌کند و چراغ راه روابط کابل و تهران در سال‌های آینده خواهد بود. معاون سیاسی وزیر خارجه ایران در ادامه گفت: سند راهبردی بین دو کشور به‌گونه‌ای تکمیل شده است که هر دو طرف ایران و افغانستان احساس برد–برد دارند و خواسته‌های اصلی دو طرف رعایت شده و درعین‌حال به نفع هر دو طرف است. قطعا تا وقتی دو طرف از نهایی‌شدن سند جامع ابراز رضایت نداشته باشند و به خواسته خود خشنود نباشند، سند امضا نخواهد شد؛ اما حالا ما نزدیک به نقطه‌ای هستیم که دو طرف از آن راضی باشند.

ادامه از صفحه اول

سیاست برای همه ایرانیان توصیه‌ای برای اصلاح‌طلبان

اما متأسفانه حتی برخی از اعضای خود این شورا نیز دیگر اعتبار و کارآمدی برای آن قائل نیستند، چه برسد به حامیان آنان در میان مردم. مشکل اساسی این شورا و تفاوت آشکارش با مشابه خارجی‌اش در این است که این حزب پیوندی ارگانیک با بدنه جامعه ندارد و اعضای اصلی آن یا شخصیت‌هایی حقیقی هستند که پیش‌تر فعال بودند یا نمایندگان احزاب اصلاح‌طلب و از مردم عادی خبری نیست. حتی در میان اعضای حقیقی آن نیز از اعضای شاخص اصلاح‌طلب خبری نیست. به‌خوبی می‌دانیم که بیشتر احزاب اصلاح‌طلب (به جز معدودی از آنها) فراقطرب‌نامه و اصول روشن سیاسی هستند و صرفا برای سهم‌خواهی از قدرت ایجاد شده‌اند و عملا به نگاهی برای کاربایی مدیران تبدیل شده‌اند. زمانی که پیوند میان نخبگان حزبی و مردم محکم نباشد، بدیهی است که دچار تلاطم خواهد شد. اگر پیوندی برقرار نباشد، زمانی که شرایط جهانی و اوضاع اقتصادی مناسب باشد، مردم ممکن است به سبایسون روی خوش نشان دهند، اما زمانی که گرفتاری‌ها و مشکلات امان مردم را ببرد، دیگر رغبتی به هیچ چیز نشان نمی‌دهند.

در جامعه‌ای که سازوکارهای دموکراتیک نه‌پاینده نشده‌اند، افراد و گروه‌ها در رسیدن به اهداف‌شان با موانع متعدد روبه‌رو می‌شوند و با نقض حقوق فردی و جمعی، از جامعه طرد می‌شوند، طبیعی است که این طردشدگان به قهر سیاسی به‌عنوان یک راه بیندیشند. راحل سیاسی بازگرداندن این نیروهای طردشده، به تجربه ثابت شده است که مجادلات بی‌پایان بر سر گزینه بد و بدتر نیست، بلکه شاید یک راه مؤثر، ایجاد چارچوبی سیاسی باشد که در آن تمام گروه‌های حذف‌شده با هم‌افزایی نیروهای خود بتوانند نقش‌آفرینی کرده و به مشارکت سیاسی به شکلی عینی بپردازند (آن‌گونه که حزب دموکرات آمریکا به نحوی آنان را در خود جای داده بود). در حقیقت اگر در ساختار رسمی طرد شده‌اند، درون ساختار و چارچوب جبهه‌ای بتوانند به تدوین برنامه سیاسی و طرح مطالبات خود بپردازند.

رابرت دال در کتاب چندسالاری، فراگیری نظام سیاسی را در کنار امکان پرسشگری دو شاخص مهم نظام دموکراتیک معرفی می‌کند و اساسا نظام‌های سیاسی را بر این مبنا دسته‌بندی و توصیف می‌کند. پس یک وجه از پیشبرد دموکراسی قطعا حرکت به سوی فراگیری است. درست است که «شعار ایران برای همه ایرانیان» همین هدف فراگیری را نشانه رفته است؛ اما زمانی این شعار معنا می‌یابد که چارچوبی برای تحقق آن، دست‌کم درون جبهه مردمی خود ایجاد کنند. البته ایجاد چنین چارچوبی جایگاه اصلاح‌طلبان در میان مردم را تا حدی تثبیت خواهد کرد تا دستخوش نوسانات شدید نشود. گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند در میان مردم، امکان ایجاد جمع‌های غیرحضوری را بیش‌ازپیش فراهم کرده است و دست‌کم دیگر به لحاظ سخت‌افزاری نیاز به مکان‌های وسیع و برگزاری تجمعات پر هزینه نیست، شاید یک پلتفرم ساده انتخاباتی بتواند تمام سازوکارهای جبهه‌ای لازم برای جمعیتی انبوه را تأمین کند.

انتخابات آمریکا تنها برای مردن آن کشور بااهمیت نبود. بسیاری از مردمان کشورهای گوناگون به‌شدت اخبار آن را دنبال می‌کردند. در ایران نیز به طرز حیرت‌انگیزی اخبار انتخابات نقل محافل گوناگون و شبکه‌های اجتماعی ایرانیان بود و با بیم و امید آن را دنبال می‌کردند. اگرچه تأثیرگذاری این انتخابات بیش از همه برای مردم آمریکاست؛ اما رفتن ترامپ و پایان‌یافتن تحریم‌های ناشی از فشار حداکثری، شاید باعث تغییراتی در روحیات سیاسی مردم ایران شود و برخلاف انتخابات پیشین مجلس که مشارکت چندانی نداشتند، این بار بخواهند در انتخابات مانند مردم آمریکا اثرگذار شوند. بی‌گمان اصلاح‌طلبان برای بازسازی پایگاه خود در میان مردم نیاز به بازنگری‌های جدی دارند؛ اما اگر بخواهند به‌درستی دوباره بر شعار «ایران برای همه ایرانیان» تأکید کنند، لازم است پیش‌نیاز آن «سیاست برای همه ایرانیان» را هم به نحوی فراهم کنند.

ارزیابی جدید خطر و ریسک زلزله شهر تهران

یافته‌های اصلی این مطالعه را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: بر اساس نقشه پهنه‌بندی خطر زلزله، مناطق محتمل و جنوبی تهران سطح بالاتر شتاب زلزله محتمل بعدی را نشان می‌دهند، ولی با توجه به اثر تشدید خاک سطحی، لایه‌های نرم و ضخیم خاک در مناطق جنوبی تهران امکان تقویت امواج لرزه‌ای تا دو برابر مقادیر محاسبه‌شده روی سنگ را دارند. با استفاده از هندسه گسل‌ها، حریم احتمالی رخداد گسلش سطحی در درون شهر تهران تهیه شد. طول گسلش سطحی در سه دسته به «صلی»، «بازول گسلش زمین‌لرزه‌ای قابل انتظار بیش از ۱۵ کیلومتر، «متوسط» با طول گسلش زمین‌لرزه‌ای بین ۵ تا ۱۵ کیلومتر و «کوچک» با طول گسلش زمین‌لرزه‌ای کمتر از ۵ کیلومتر دسته‌بندی شدند.

ادامه در صفحه۹